

جای خالی مرجع نگاری در درس های مرجع شناسی

● یزدان منصوریان^۱

عضو هیئت علمی، دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیدہ

این مقاله به مرور مؤلفه‌های مؤثر بر فرایند تولید منابع مرجع پرداخته و عدم توجه کافی به این موضوع را در دروس مرجع‌شناسی دوره‌های آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی یادآوری می‌کند. آشنایی بیشتر دانشجویان با این فرایند و نقشی که می‌تواند در آینده به‌عنوان دانش‌آموخته کتابداری در این زمینه ایفا کنند، مبحثی است که جای خالی آن در سرفصل‌های موجود مرجع‌شناسی مشهود است. در این مقاله دو مؤلفه به‌عنوان پیش‌نیاز مرجع‌نگاری و هشت محور اصلی به‌عنوان ملاحظات اساسی در خلال اجرای این فرایند به‌اختصار معرفی شده‌اند. بر این اساس، برای تولید منابع مرجع تخصصی در هر رشته علمی، وجود مبانی نظری لازم در آن حوزه و دسترسی به پیشینه انتشاراتی غنی دو پیش‌نیاز ضروری محسوب می‌شوند. همچنین، محورهای اصلی تأثیرگذار بر فرایند مرجع‌نگاری نیز عبارتند از: تدوین خط‌مشی‌های گزینش مدخل‌ها، چگونگی ارائه اطلاعات، تعیین سطح اطلاعات، چگونگی تنظیم و آرایش مدخل‌ها، پیش‌بینی حداکثر نقاط دسترسی به محتوای منبع، کسب اطمینان از وثوق اطلاعات مندرج در منبع، ارائه اطلاعات تکمیلی به خوانندگان و پیش‌بینی ملاحظات لازم برای افزایش استحکام و دوام فیزیکی منابع. همچنین در هریک از موارد فوق نقشی که کتابداران می‌توانند در بهبود و تسهیل این مراحل ایفا کنند، به‌اختصار تشریح شده است. در پایان، مقاله پیشنهاد می‌کند که موضوع مرجع‌نگاری در کنار سرفصل‌های موجود در دروس فعلی مرجع‌شناسی تدریس و اهمیت آن برای دانشجویان تبیین شود.

کلیدواژه‌ها: مرجع‌نگاری، مرجع‌شناسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی،

مقدمه

جای خود کاملاً اهمیت دارد. اما همچنان یک موضوع مهم درباره منابع مرجع عمومی و تخصصی نادیده گرفته می‌شود. این موضوع از قلم افتاده فرایند تولید منابع مرجع یا همان «مرجع‌نویسی» یا «مرجع‌نگاری»^۲ است. به بیان دیگر، ما به دانشجویان خود عناوین منابع مرجع مهم، چگونگی استفاده از هریک و نحوه ارزیابی آنها را آموزش می‌دهیم، اما به چگونگی تدوین و تولید این منابع چندان اشاره نمی‌کنیم. در حالی که تولید منابع مرجع فعالیتی کاملاً تخصصی است و تمهیدات و مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد. بی‌تردید، وقتی موضوع مرجع‌نگاری نادیده گرفته شود، نقشی که کتابداران می‌توانند در این فرایند ایفا کنند، نیز مورد توجه واقع نمی‌شود. در حالی که کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی می‌توانند با اتکا به مبانی نظری رشته خود و مهارت‌هایی که دارند در این زمینه مفید باشند. این مقاله به‌اختصار به این موضوع می‌پردازد و تلاش می‌کند با تبیین اهمیت بحث مرجع‌نگاری جایگاه فراموش شده آن را در آموزش کتابداری یادآور شود.

در آموزش رسمی کتابداری و اطلاع‌رسانی نه واحد درسی در قالب چهار درس اصلی برای آموزش مبانی مرجع‌شناسی پیش‌بینی شده است. دروس مرجع‌شناسی عمومی فارسی و عربی (دو واحد)، مرجع‌شناسی لاتین (دو واحد)، مرجع‌شناسی تخصصی (سه واحد)، و اصول کار مرجع (دو واحد) دروس تخصصی در این زمینه هستند که اگر دو واحد درس اختیاری مرجع‌شناسی اسلامی را نیز به آن اضافه کنیم، در مجموع ۱۱ واحد مرتبط با این موضوع خواهیم داشت. با توجه به اهمیت بخش مرجع در کتابخانه‌ها و جایگاه آن در اشاعهٔ اطلاعات، وجود این واحدها کاملاً ضروری و بسیار مفید است.

با این حال قلمرو مباحث مطرح‌شده در این واحدها بیشتر به معرفی و شناسایی منابع و تبیین ویژگی‌های آنها محدود می‌شود، که گرچه لازم است، اما کافی نیست. در درس اصول کار مرجع نیز چگونگی تعامل با کاربران موضوع اصلی است که آن هم در



مرجع‌نگاری: فرایند تولید منابع مرجع

از زمان تولید دانش جدید در هر رشته علمی تا ثبت و ضبط آن در منابع مرجع، اغلب فاصله‌ای چندساله لازم است. گذر از این فاصله چندساله به دو دلیل اجتناب‌ناپذیر و کاملاً طبیعی است. یکی آنکه دانش جدید معمولاً ابتدا در پایاندها و نشریه‌های ادواری علمی منعکس می‌شود و باید مدتی در فرایند ارتباطات علمی^۳ گسترش یابد و نظریه‌های تازه مورداسناد و آزمون واقع شوند تا به منابع مرجع راه یابد. از سویی دیگر، تدوین و انتشار منابع مرجع خود فرایندی کاملاً تخصصی، بسیار وقت‌گیر و معمولاً پرهزینه است. همچنین، تولید منابع مرجع مستلزم فعالیت گروهی متخصصانی است که در زمینه موضوعی منبع موردنظر دارای دانش و تخصص کافی‌اند. از این‌رو کار مرجع‌نگاری از توان یک یا دو نفر خارج است و نیازمند همکاری گروه‌های تحقیقاتی است که بهتر است حداقل یکی از اعضای آن گروه کتابدار باشد. بی‌تردید، وظیفه انعکاس دانش تخصصی در یک منبع مرجع بر عهده مدخل‌نویسانی است که باید جزء کارشناسان و صاحب‌نظران آن موضوع باشند. اما در کنار آنان کتابداران می‌توانند نقش‌هایی کلیدی ایفا کنند و با مشارکت خود بر غنا و سودمندی مواد تولیدشده بیفزایند.

گرچه برای تولید هر یک از انواع منابع مرجع شیوه‌نامه خاصی قابل‌پیش‌بینی است که مربوط به ویژگی‌ها و هدف منبع موردنظر است، اصولی کلی بر این فرایند حاکم است که در ادامه به بخشی از آنها اشاره می‌شود. مروری گذرا بر منابع فارسی نشان می‌دهد که موضوع تولید منابع مرجع قبلاً موردتوجه کتابداران واقع شده است، مثلاً نیازی (۱۳۸۵) به موضوع فرهنگ‌نگاری و صبا (۱۳۸۷) به تولید کتاب‌شناسی‌ها پرداخته‌اند که درواقع دو نمونه از این تلاش‌ها محسوب می‌شوند.

مؤلفه‌های اصلی در فرایند مرجع‌نگاری

در این مقاله دو مؤلفه به‌عنوان پیش‌نیاز مرجع‌نگاری و هشت محور اصلی به‌عنوان ملاحظات اساسی در خلال اجرای این فرایند معرفی شده‌اند. وجود مبانی نظری لازم در حوزه موضوعی موردنظر و

از آنجاکه منابع مرجع محل تبلور و
انعکاس شکوفایی هر رشته علمی
محسوب می‌شود، باید محتوای این
منابع متکی بر مبانی نظری محکمی
باشد که توانایی حمایت از اطلاعات
ارائه‌شده در منبع مرجع را داشته باشد

وجود انتشارات کافی در آن حوزه دو مؤلفه اصلی پیش‌نیاز در این زمینه‌اند.

۱. وجود مبانی نظری^۴ لازم در حوزه موضوعی موردنظر. از آنجاکه منابع مرجع محل تبلور و انعکاس شکوفایی هر رشته علمی محسوب می‌شود، باید محتوای این منابع متکی بر مبانی نظری محکمی باشد که توانایی حمایت از اطلاعات ارائه‌شده در منبع مرجع را داشته باشد.

۲. وجود پیشینه انتشاراتی^۵ کافی در حوزه موضوعی موردنظر. یکی از اساسی‌ترین مراحل در تدوین یک اثر مرجع گردآوری حداکثر اطلاعات مستند در زمینه موضوعی آن اثر است. این اطلاعات معمولاً در آثار غیرمرجع مثل مقاله‌های علمی، خلاصه کنفرانس‌ها، گزارش‌های پژوهشی، اسناد سازمان‌های دولتی، پایان‌نامه‌ها و بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی یافت می‌شود. وظیفه تدوین‌کنندگان یک اثر مرجع شناسایی و استفاده بهینه از این منابع است. در این زمینه کتابداران می‌توانند با جست‌وجوی جامع منابع موجود، تصویری روشن از پیشینه انتشاراتی موردنیاز ارائه کنند. جست‌وجوی جامع در پیشینه یک موضوع به جامعیت اطلاعات ارائه‌شده در منبع مرجع کمک می‌کند.

علاوه‌بر دو پیش‌نیاز ذکرشده، می‌توان به هشت محور اصلی تأثیرگذار بر فرایند مرجع‌نگاری، به‌ویژه درباره منابع مرجع چاپی،



۲. **چگونگی ارائه اطلاعات.** بدیهی است که موضوع‌های مختلف در هر رشته‌ای درجه اهمیت یکسانی ندارند. به دلایلی مختلف ممکن است موضوعی نسبت به موضوع دیگر امروز برای مرجع‌نویس و در آینده برای مراجعه‌کننده به آن منبع، درجه متفاوتی از اهمیت داشته باشد. از این رو، طول مدخل‌ها و میزان اطلاعاتی که ارائه می‌دهد، متفاوت خواهد بود. معمولاً خط‌مشی مراکز تولید منابع مرجع در انتخاب حجم اطلاعات برای هر مدخل مبتنی بر اهمیت موضوع و میزان اطلاعات موجود در آن زمینه است، برای مثال در دائرةالمعارف‌های تخصصی هرچه موضوع مدخلی درجه اهمیت بالاتری داشته و اطلاعات بیشتری در آن زمینه موجود باشد، میزان اطلاعات در آنها مقصودتر خواهد بود.

۳. تعیین سطح اطلاعات. هرگاه سخن از سطح اطلاعات به میان می‌آید، ممکن است وجوه متفاوتی از سطح مطرح باشد که در اینجا همهٔ این وجوه اهمیت دارد. گاه منظور از سطح، نوع زبان و درجهٔ تخصصی بودن موضوع است. گاه منظور از سطح، که گاه از آن به دامنه^۷ یاد می‌شود، میزان جامعیت اطلاعات است. بسته به هدف یک منبع مرجع و نیاز کاربران آتی آن، اطلاعات عرضه‌شده می‌تواند در دو سطح توصیفی^۸ و تحلیلی^۹، یا عمومی^{۱۰} و تخصصی^{۱۱}، یا براساس تقسیم‌بندی دیگری که مبتنی بر میزان جامعیت آنهاست، به یکی از دو شکل جامع^{۱۲} و گزیده^{۱۳} ارائه شود. انتخاب هریک از این رویکردها باید براساس هدف منبع مرجع و نیاز مخاطبان آن صورت گیرد.

۴. چگونگی تنظیم اطلاعات. معمولاً مرجع‌نویسان براساس نیازهای آتی کاربران، تلاش می‌کنند مدخل‌ها را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که امکان بازیابی اطلاعات را به ساده‌ترین شکل ممکن فراهم آورند. معمولاً در منابع چاپی تنظیم‌الفبایی بیشترین استفاده را دارد، اما همواره امکان تقسیم‌بندی‌های کلی‌تر، براساس معیارهای عمومی وجود دارد. مثلاً در دایرةالمعارف بریتانیکا اگرچه اساس کار تنظیم‌الفبایی است، سه بخش اصلی این دایرةالمعارف (پروپدیا، ماکروپدیا و میکروپدیا)^{۱۴} به‌نوعی تقسیم‌بندی کلی‌تری را نشان می‌دهد که با هدف سهولت باز یابی انجام شده است. همچنین، ممکن است در

معمولاً خط‌مشی مراکز تولید منابع
مرجع در انتخاب حجم اطلاعات
برای هر مدخل مبتنی بر اهمیت
موضوع و میزان اطلاعات موجود در
آن زمینه است

نیز اشاره کرد که عبارتند از: تدوین خط‌مشی‌گزینش مدخل‌ها، تدوین خط‌مشی‌چگونگی ارائه اطلاعات، تعیین سطح اطلاعات در مدخل‌ها، چگونگی تنظیم و آرایش مدخل‌ها، پیش‌بینی حداکثر نقاط دسترسی به محتوای منبع، اتخاذ راه‌کارهای مختلف برای افزایش وثوق اطلاعات مندرج در منبع، اندیشیدن تدابیر لازم برای ارائه اطلاعات تکمیلی به خوانندگان و پیش‌بینی ملاحظات لازم برای افزایش استحکام و دوام فزیکر منابع در دست تألیف.

۱. تدوین خط‌مشی‌گزینش مدخل‌ها. گستره و عمق یک منبع مرجع در انتخاب دامنه و سیاست مدخل‌گزینی آن منعکس می‌شود، زیرا بسته به نوع و هدف آن منبع، انتخاب مدخل‌ها تابع ملاحظات خاصی است. مثلاً در یک واژه‌نامه تخصصی مجموعه واژگان مورد استفاده متخصصان این رشته و در یک دایرةالمعارف موضوعی مجموعه موضوع‌های مورد نیاز آنها، مبنای‌گزینش مدخل‌ها قرار می‌گیرد. گزینش مدخل‌ها در منابع مرجع تخصصی به‌نوعی مرزهای رشته‌ها را نیز می‌دهد. بدیهی است که این گزینش ابتدا مستلزم ترسیم نقشه موضوعی حوزه مورد نظر است. به بیان دیگر، بدون توجه به مرزهای موضوعی و تعیین رابطه اعم و اخص مفاهیم، امکان ترسیم این نقشه و سپس انتخاب از میان آنها میسر نیست. اما نکته مهم آن است که نقشه نهایی تا چه درجه‌ای از جزئیات را باید نشان دهد و گزینش واژگان در چه سطح مورد نیاز است.

دیگر موکول می‌کند، زیرا هدف از این نوشته فقط در حد یادآوری اهمیت موضوع و اشاره به وجوه اصلی آن خلاصه می‌شود.

نتیجه و سخن پایانی

کتابداران می‌توانند در تمام مراحل تولید منابع مرجع همکاران خوبی برای متخصصان موضوعی بوده و در گروه‌های پژوهشی مرجع‌نگاری مشارکت فعالانه‌ای داشته باشند. همکاری کتابداران به شیوه‌های مختلفی امکان‌پذیر است و اگر این همکاری به‌صورت کارشناسانه ارائه شود، در تسهیل این فرایند مؤثر خواهد بود. به‌منظور آماده‌ساختن دانشجویان برای ایفای چنین نقشی پس از فراغت از تحصیل، موضوع مرجع‌نگاری و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن می‌تواند در دروس مرجع‌شناسی دوره کارشناسی کتابداری مورد توجه بیشتری واقع شود. این مقاله کوتاه فقط اشاره‌ای به این مسئله است و به‌نظر می‌رسد بحث مرجع‌نگاری می‌تواند در سرفصل‌های دروس مرجع‌شناسی با جزئیات مفصل‌تری پیش‌بینی شود و درباره هریک از انواع منابع مثل دایرةالمعارف‌ها، واژه‌نامه‌ها، کتاب‌شناسی‌ها و جز آن ملاحظات خاص آنها نیز مطرح شود.

پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@tmu.ac.ir
2. Developing Reference Resources
3. Scholar Communication
4. Theoretical Basis
5. Literature Body
6. Entries
7. Coverage
8. Descriptive
9. Analytical
10. General
11. Specialised/Specific
12. Comprehensive
13. Selective
14. Propedia, Macropedia and Micropedia
15. Access Points
16. Authenticity of Information
17. Citing and Citation

مآخذ

۱. حری، عباس (۱۳۸۱). «پیشگفتار»، دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی (جلد اول)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص هشت تا هفده.
۲. حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۱). «پیشگفتار، ساختار و راهنمای استفاده»، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
۳. نیازی، سیمین (۱۳۸۵). «فرهنگ‌نگاری»، دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی (جلد دوم)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲۰۳ - ۱۲۰۹.
۳. صبا، ایرج (۱۳۸۷). «کتاب‌شناسی‌ها: مقدمه‌ای بر شناخت و تدوین»، کتاب ماه کلیات، س ۱۱، ش ۹، ص ۴۲ - ۵۱.

کتابداران می‌توانند در تمام مراحل تولید منابع مرجع همکاران خوبی برای متخصصان موضوعی بوده و در گروه‌های پژوهشی مرجع‌نگاری مشارکت فعالانه‌ای داشته باشند

تدوین یک کتاب‌شناسی تخصصی سازمان‌دهی رده‌ای علاوه‌بر آنکه اطلاعات لازم درباره موضوعات موردنظر را ارائه می‌کند، زمینه‌ها و روابط موضوعی را نیز نشان دهد.

۵. پیش‌بینی حداکثر نقاط دسترسی^{۱۵}: دسترسی آسان به محتوای منابع مرجع، که معمولاً منابعی طولانی و مفصل هستند، جزء نیازهای اصلی کاربران محسوب می‌شود. از این‌رو باید تدابیر لازم برای افزایش نقاط دسترسی به محتوای آنها اندیشیده شود. مثلاً در کنار تنظیم الفبایی می‌توان با تدوین نمایه‌های موضوعی، نمایه نام‌ها، ارجاعات متقابل و فهرست‌های تفصیلی، میزان دسترسی‌پذیری اطلاعات را در منابع چاپی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش داد.

۶. اطمینان از صحت و وثوق اطلاعات^{۱۶}: از آنجاکه معمولاً افراد با اطمینان از درستی مطالب این منابع به آنها رجوع و به مطالبشان استناد^{۱۷} می‌کنند، لازم است همه پیش‌بینی‌ها برای رسیدن به حداکثر اعتبار اطلاعات از قبل اندیشیده شود، مثلاً بهره‌گیری از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متخصصان بنام در هر رشته و استفاده از منابع پراستفاده و شناخته‌شده در رسیدن به چنین هدفی کمک می‌کند.

۷. ارائه اطلاعات تکمیلی به کاربران: با توجه به اینکه معمولاً منابع مرجع در مراحل اولیه پژوهش مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد، اطلاعات مندرج در آنها دروازه‌ای به اطلاعات تکمیلی در موضوع موردنظر است. برای مثال ذکر مأخذ مورد استفاده در تدوین مداخل‌های یک دایرةالمعارف راه‌کاری برای تحقق این هدف محسوب می‌شود. همچنین شایسته است در ابتدای این منابع توضیحات کافی درخصوص چگونگی تدوین آنها، هدفی که دارند، نوع اطلاعاتی که ارائه می‌دهند، سطح موردانتظار مخاطبان و دامنه موضوعی ارائه شود، برای مثال حری (۱۳۸۱) نمونه موفق از ارائه توضیحات کامل درباره چگونگی تدوین دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی و حق‌شناس (۱۳۸۱) نیز توضیح روشنی از چگونگی تدوین، ساختار و راهنمای استفاده از فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی ارائه کرده‌اند.

۸. استحکام و دوام فیزیکی. اگر قرار است منبع مرجع به‌صورت چاپی منتشر شود، باید استحکام فیزیکی آن نیز مورد توجه تولیدکنندگان باشد. زیرا معمولاً این منابع حجیم بوده و به دفعات فراوان و در مدت طولانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این‌رو اگر منبعی به‌صورت چاپی منتشر می‌شود، باید صحافی و نوع کاغذ آن به‌گونه‌ای باشد که امکان استفاده مستمر را فراهم آورد.

بی‌تردید به فهرست فوق می‌توان موارد دیگری افزود و این موضوع را با عمق و گستره‌ای به‌مراتب بیشتر بررسی کرد. با این حال، مقاله حاضر به همین مختصر بسنده کرده و بررسی دقیق‌تر را به فرصتی